

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره چهار صد و سوم

پیراگتتم: به ما شد عرصه تنگ
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

توی دنیای پراز اندوه و جنگ
خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

در حاشیه شیوع ویروس پرندگان

وزیر بهداشت:

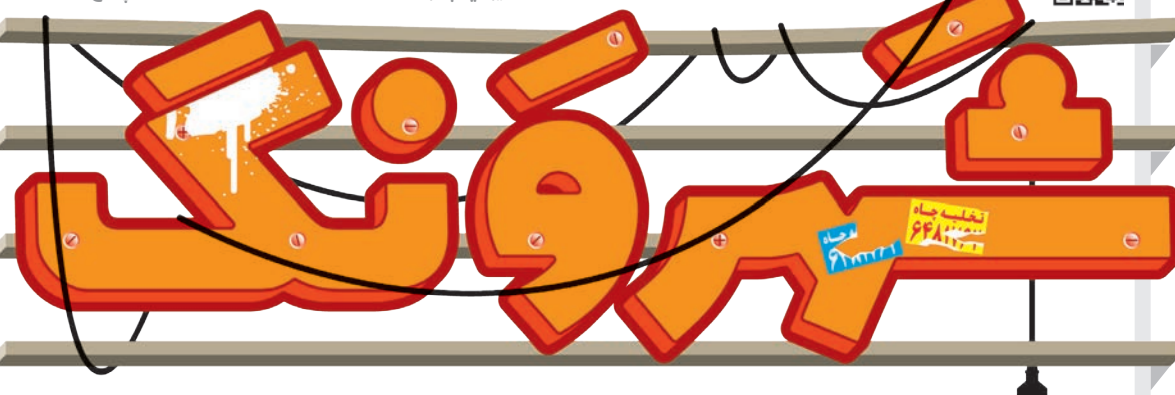
خیلی مواظب باشید!
دفتر چه بیمه تون بیشتر از
یه بسته قرص جوشان رو
پوشی نمیده!

یک مرغ:

من که متأسفانه تخم مرغام
دچار «ویروس» شدن
چند وقته! نوسان قیمت
پیدا کردن!



| احمد رضا کاظمی |



سامانه جدید ارزی از امروز به صورت آزمایشی آغاز به کار خواهد کرد

بارش دلار در ابهام؛ هوای چهارراه استانبول ابری و غبار آلود پیش بینی می شود!

کارشناسان: سامانه ی بارشی مهم تر است یا سامانه ارزی، مساله این است!
شادروان حبیب: بیاری ارز، بیاری ارز سنگین بر مزارش!
#سامانیان #سکه_شدن_دلار_یا_دلار_شدن_سکه #شهرونگ



گمشدگان

استانداردهای لگنی!

شهرام شهیدی

طنز نویس

shahram_shahidi@yahoo.com

مدیر عامل ایران خودرو گفته بنز و هیوندای نمی توانند استانداردهای خودرویی ایران را پاس کنند.

این استانداردها چیست؟ شهرونگ موضوع را رصد و استانداردهای خاص خودرویی را در ایران کشف کرده است.

استاندارد هیجان: از آن جا که اکثر زمان ایرانی ها در ترافیک سپری می شود، خودروسازان ایرانی تصمیم گرفتند کاری کنند که شهروندان ایران در همان زمانی که در خودروی خودشان هستند از هیجان کافی و ترشح آدرنالین برخوردار شوند؛ بنابراین با نصب سیستم سنسور رندوم

شهریاری روی خودروها کاری کرده اند که راننده ایرانی ناگهانی و بهیچ و خیلی خودجوش با آتش گرفتن خودرویش مواجه شود. افزایش ترشح آدرنالین موجب سلامتی روح و روان و تزریق شادابی به جامعه می گردد. راننده ای که خودرویش آتش گرفته هم پس از درمان سوختگی ها از بیمه هزینه خود را دریافت و همه چیز به خیر و خوشی تمام می شود؛ بدین ترتیب زمستان می رود و روسیاهی به بنز و هیوندای می ماند.

استاندارد قابلیت سریع حمل و نقل: یکی از معضلات بنز و هیوندای هر خودروی فرنگی دیگری این است که وقتی تصادف می کنید، باید صبر کنید یک جرقه جادوی پیدا شود که بتواند خودروی آسیب دیده را به اولین تعمیرگاه مجاز برساند. اما در استانداردهای خودرویی ایران این موضوع تعریف دیگری دارد. در واقع برای این که راننده خودروی آسیب دیده نیاز به جرقه نداشته باشد و هزینه حمل خودرو به تعمیرگاه کاهش

یابد، خودروهای داخلی به نحوی طراحی و ساخته شدند که پس از تصادف جوری جمع می شوند که کاپوت و صندوق عقب کنار هم قرار گرفته و خودرو به اندازه یک کیف دستی قابل حمل می شود. بدین ترتیب راننده می تواند خودروی آسیب دیده را بگیرد دستش و از طریق مترو آن را به تعمیرگاه تحویل نماید.

استاندارد گاری شدن: از آن جا که قیمت حامل های انرژی حساب کتاب ندارد و روی سهمیه بندی هم نمی توان درست حساب کتاب کرد، بنابراین خودروسازان ایرانی استانداردهای جدیدی تعریف کرده اند و طبق آن خودروی وطنی قابلیت این را دارد که با دو حرکت تبدیل به گاری شود.

بدین ترتیب در صورتی که بحران سوخت در کشور جدی شود، خودروی ایرانی را می توان به اسب و یاقوت و به راحتی با آن در شهر تردد کرد. اجرای این استاندارد خاص به بهبود شرایط زیست محیطی و استاندارد

یورو ۴ نیز کمک کرده و میزان آلایندگی های هوا را بشدت کاهش می دهد. طبق آخرین برآوردهای محققان شاغل در خودروسازان وطنی، میزان آلایندگی سرسگین اسب از خودروهای هیبریدی نیز کمتر است.

استاندارد لگن شدن: درست به دلایل مشابه در بند بالا به منظور افزایش خدمات خودروهای وطنی جوری طراحی شده اند که چند روز پس از خرید، آپشن لگن شدنشان فعال شده و شهروندان می توانند هنگامی که در ترافیک هستند از خودروی خود به عنوان لگن استفاده و لباس هایشان را در ترافیک شست و شوی نمایند.

استاندارد در دسترس بودن: قطعات یدکی خودروهای ایرانی از چنان سادگی ای برخوردارند که هر کس می تواند سر چهارراه این قطعات را از گل فروشان سر چهارراه یا ساقیان فعال منطقه حین فروش خماری و یا در نهایت از کیوسک های روزنامه فروشی تهیه کند و نیازی به مراجعه به فروشگاه های مجاز نیست. این استاندارد میزان سفرهای غیر ضروری شهری را بشدت کاهش می دهد.

تماشاخانه

نازنین جمشیدی | کارتونست | nana.jamshidi@gmail.com



کوجه اول



| سید جواد قصابی | به وحید زنگ زد و گفت: «چند روز تعطیله بنز بریم به جای.» «وحید گفت: «بریم هوا، به رفیق دارم و اینجا خیلی بچه خاکی ای.» «اما شین راهی شدیم، وحید به دوستش حسن گفته بود ساعت ۱۲ ظهر جلوی پمپ بنزین ورودی شهر باشه، ۵ دقیقه دیر رسیدیم ولی حسن پرس و وقت شناسی بود، سر ساعت آن جابود و خاک تمام سر و صورتش را پوشانده بود. وحید گفت: «خیلی منتظر بودی شرمند از تهران زود حرکت کردیم به خدا.» حسن زد به شانه وحید و گفت: «نه بابا دو دقیقه بیشتر این جا نبودم. خسته از راه رسیدیم بنز به فلافل مشت می بزیم؟»
قبول کردیم، حسن پیاده شد و بعد از چند دقیقه به یک کیسه پلاستیکی پر از خاک برگشت. گفتیم: «دمت گرم کالا خاک میدی بهمون؟» حسن خندید دستش را کرد توی پلاستیک و سه تاساندیچ فلافل با نوشابه بیرون کشید و گفت: «کالا توی راه خاک بارید توش، برای جبران هم که شده آگه خونه دوستتون نمیرید بریم خونه من پذیرایی کنیم!» وحید گفت: «تو حسن نیستی؟»
مرد جوان سر و صورتش را از خاک تکاند، چهره اش معلوم شد و گفت: «کامن مخلص شما عماد!»

سریج

| احمد رضا کاظمی |



در حاشیه «جود» خطاب شدن کریمی در برنامه ۹۰